

المیزان فی تفسیر القرآن

المیزان فی تفسیر القرآن، اثر گرانسنگ علامه سید محمدحسین طباطبایی (۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ ش) که در ۲۰ جلد و به زبان عربی به نگارش درآمده است. این تفسیر یکی از بزرگ ترین آثار علامه طباطبائی و به حق در نوع خود کم نظیر و مایه مباهات و افتخار شیعه است و پس از تفسیر تبیان شیخ طوسی و تفسیر مجمع البیان طبرسی، بزرگ ترین و جامع ترین تفسیر شیعی و از نظر قوت مطالب علمی و مطلوبیت روش، تفسیر منحصر به فردی است. جمع میان دو روش ترتیبی و موضوعی، عنایت به وحدت موضوعی قرآن کریم و ابتنا بر روش محکم تفسیر قرآن به قرآن از ویژگی های برجسته این تفسیر به شمار می رود. این تفسیر پس از پیدایش، مرجع تألیفات و تحقیقات بسیاری از محققین قرار گرفته است.

شناسه مفسر:

آیت الله سید محمدحسین طباطبایی (۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ ش)، فقیه، عارف، فیلسوف و مفسر بزرگ و مشهور دوران معاصر، متولد تبریز است. علامه پس از تحصیلات مقدماتی به نجف اشرف رفت و از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۴ ش از اساتید بزرگ آنجا همچون سید علی آقای قاضی، آیت الله شیخ محمدحسین اصفهانی (ره)، آیت الله نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی و آیت الله حجت کوه کمری بهره گرفت. سپس به زادگاه خویش بازگشت و مدت ده سال در آنجا بود و در سال ۱۳۲۵ به قم عزیمت کرد. علامه طباطبایی از این زمان تا پایان حیات خود، ضمن تدریس دروس فلسفه و تفسیر در حوزه علمیه قم، به کار نگارش تفسیر المیزان پرداخت و آن را پس از نزدیک به بیست سال تلاش، در لیلۃ القدر ۲۳ رمضان سال ۱۳۵۰ هـ. ش. به انجام می رساند. علامه طباطبایی به جهت احیای فلسفه و حکمت شیعی و آموزه های اصیل اسلامی نام بردار است. تلاش پروفیسور هانری کوربن استاد دانشگاه سوربن فرانسه برای همنشینی و مباحثه با علامه طباطبایی، گواه شهرت علمی او در جهان آن

روز است. وی در روز ۲۴ آبان ماه ۱۳۶۰ ه.ش چشم از جهان فرو بست. ایشان به جز این تفسیر آثار برجسته دیگری نیز دارد از جمله مهم‌ترین آثار ایشان؛ اصول فلسفه و روش رئالیسم، بدایة الحکمة، نهایة الحکمة را نام برد.

شناسه تفسیر:

المیزان، تفسیری است جامع و در بردارنده مباحث نظری و تحلیلی فراوان و با رنگی غالب فلسفی؛ این کتاب عظیم در واقع موسوعه‌ای است جامع، مشتمل بر مباحث عمیق قرآنی، حدیثی، فلسفی، عرفانی، ادبی، اخلاقی، تاریخی، اجتماعی و غیره که با طرحی بی سابقه و شیوه‌ای محققانه به رشته تحریر درآمده است. این تفسیر ارزنده از نظر جامعیت، دقت و عمق و تحلیل روش‌مند آرای مفسران چنان بدیع است که می‌توان گفت، در طول تاریخ تفسیر قرآن، کتابی بدین دقت و ظرافت و جامعیت تألیف نشده است.

این تفسیر ارزشمند مزایا و محاسن بسیاری دارد که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. جمع میان دو روش تفسیری موضوعی و ترتیبی؛ قرآن را آیه به آیه و سوره به سوره تفسیر کرده است ولی در هر بخش، آیات مربوط و متناسب با موضوع آن را - که در قرآن پراکنده است - می‌آورد؛ تا درباره آن به طور جامع بحث و بررسی کند.

۲. توجه کامل به مسأله وحدت موضوعی حاکم بر قرآن؛ هر سوره‌ای هدف یا اهداف معینی دارد که بنیان و اساس آن سوره را تشکیل می‌دهد و سوره پایان نمی‌یابد مگر هنگام کامل شدن هدف؛ و به همین دلیل تعداد آیات سوره‌ها با هم متفاوت است. وی در این خصوص می‌گوید:

در هر قطعه از قطعات کلام خدا که سوره نامیده می‌شود، نوعی وحدت و انسجام هست که در بخش خاصی از سوره یا بین یک سوره و سوره دیگر مشاهده نمی‌شود و از همین موضوع می‌فهمیم که اغراض و مقاصد مورد نظر در یک سوره مختلف است؛ ولی هر یک از آن‌ها برای بیان معنای خاصی آمده است که سوره جز با اتمام و اکمال آن معنا، به پایان نمی‌رسد.

۳. استمداد و بهره‌گیری از روش تفسیر قرآن به قرآن؛ مؤلف این مسأله را محقق ساخته و آن را بوضوح بیان کرده است. او در تفسیرش از قرآن، بر خود قرآن تکیه کرده و معتقد است که - چیزی و کسی - جز قرآن شایستگی تفسیر قرآن را ندارد. قرآن که مبین همه چیز است، چگونه ممکن است مبین خود نباشد؟

روش تفسیری:

اساس کار تفسیر المیزان، به حکم *إِنَّ الْقُرْآنَ يَفْسِرُ بَعْضُهُ بَعْضًا*، بر روش تفسیر قرآن به قرآن استوار است. بدین معنا که نخستین و قوی‌ترین منبع فهم یک آیه، خود قرآن است؛ در جایی که آیات محکم قرآنی می‌تواند دیگر آیات دشوار و متشابه را تفسیر و تبیین نماید، روایات، اسباب نزول و آراء مفسران

در درجهٔ دوم اعتبار قرار می‌گیرد. علامه طباطبایی معتقد است، وقتی قرآن مدعی است که تَبیاناً لکل شیء است، چطور ممکن است برای بیان مقاصد خود محتاج به غیر خود باشد. هیچ مطلب مبهمی در قرآن وجود ندارد تا مجبور باشیم قرآن را به کمک غیر قرآن بشناسیم؛ بلکه قرآن را باید با خود قرآن شناخت همان‌گونه که نور را باید با نور دید.

در این روش مؤلف ابتدا مجموعهٔ چند آیه از یک سوره را که سیاق واحدی دارد، ذکر می‌کند و به بیان مفردات، وجوه اشتقاق و مباحث لغوی می‌پردازد؛ سپس در بخش بیان آیات، به تفکیک هر آیه، کار تفسیر و تبیین مفاهیم را پی می‌گیرد و این‌جاست که - عنداللزوم - به نقل و نقد آراء مفسرین بزرگ اعم از شیعه یا سنی وارد می‌شود؛ در پایان نیز، بخشی را با عنوان بحث روایی، به بررسی و نقد روایات فریقین در خصوص آیات مورد نظر اختصاص می‌دهد. هم‌چنین مؤلف کتاب در خلال تفسیر، به تناسب موضوع، مباحثی تحلیلی - توصیفی با رویکردهای فلسفی، اجتماعی، تاریخی یا علمی مطرح می‌کند که من حیث المجموع، تمه‌ای بر تفسیر آیات است. با توجه به اندیشهٔ فلسفی علامه طباطبایی، تفسیر وی بر قرآن، بیشتر رویکردی فلسفی می‌یابد اگر چه می‌کوشد تا از چارچوب قرآن و دایرهٔ دلالت‌های لفظی و معنایی آیات گامی فراتر نگذارد. او با دقت نظر و تسلط شگفتی که بر قرآن دارد، بارها و در جای‌جای میزان، با قرار دادن آیات هم‌سیاق در کنار یکدیگر، ضمن اقامهٔ دلایل عقلی و استشهاد به براهین قرآنی به تبیین مفاهیم و ذکر مصادیق آیات می‌پردازد.